



Analysis of the Imamate of the Prophets in the Quran; Approach Cognition and Dimensions Research

Majid Zarei¹, Seyed Mohammad Mousavi Moghadd*²

1. Ph.D. Student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2021.41440.1025

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13568.html

Corresponding Author:

Seyed Mohammad
Mousavi Moghadd

Email:

sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

Received: 2021/10/08

Accepted: 2021/12/16

Available: 2022/01/05

Open Access



Keywords:

the Imamate of the Prophets, the Verse 124 al – Baqara, the Semantics of the Position of the Imamate, Dimensions of the Imamate.

ABSTRACT

Teaching of Imamate is a subject that has been investigated and researched from various theological, jurisprudential, mystical and quranic aspects. In this regard, understanding the concept of "the Imamate of the prophets" from the perspective of the quran can be in some way that it is a basis for the teaching of Imamate particularly from the historical look. In spite of the abundant efforts of the shi'ite and sunni commentators to explain the position of the Imamate of prophet Ibrahim (AS) in verse 124 al - Baqara, we did not see a coherent and complete theory in this regard. In addition, the mucus of topics such as Imam semantics, necessities of Imamate, Imam features and ... has added on the flame of these conflicts. In regard to the importance and position of this discussion in Islamic thought, the present study has tried to present a new strategy by holistic examining the verses of the Imamate of prophets in addition to measure the opinions of the shi'ite and sunni commentators briefly in the field of "the semantics of the Imamate of the prophets" in critical-analytical method. In the light of the explanation of this challenge, other aspects of the subject of the Imamate of the Quran, which have generally been crystallized in the leadership of the Household of the Prophet (AS) would be appeared. The results of the study show that we will be able to analyze the position of the Imamate of the prophets in the quranic thought with concentration on the "Book" and "Divine Shari'a" among the prophets "and" divine sharia"; then, by releasing this issue, the range of this teaching in other dimensions will be easily analyzed.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



تحلیل مقام امامت انبیاء، در قرآن؛ رویکرد شناسی و ابعاد پژوهی

_____ مجید زارعی^۱، سید محمد موسوی مقدم^{۲*} _____

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2021.41440.1025

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13568.html

چکیده

آموزه «امامت»، موضوعی است که از جنبه‌های مختلف کلامی، فقهی، عرفانی و قرآنی مورد کاوش و پژوهش قرار گرفته است. در این میان، شناخت مفهوم «امامت انبیاء» از منظر قرآن کریم، می‌تواند راهگشای طریقی باشد که حاصل آن، شناختی مبنایی از آموزه امامت به معنی الاخص، از زاویه‌ای تاریخی است. به رغم کوشش فراوان مفسران فریقین در جهت تبیین مقام امامت حضرت ابراهیم (ع) در آیه ۱۲۴ سوره بقره، هنوز شاهد یک نظریه منسجم و خالی از اشکال در این زمینه نمی‌باشیم. افزون بر آن، خلط مباحثی همچون معناشناسی امام، لوازم امامت، ویژگی‌های امام و... بر شعله این اختلافات دامن زده است. نظر بر اهمیت و جایگاه این مبحث در اندیشه اسلامی، پژوهش حاضر کوشیده است تا با روش تحلیلی-انتقادی ضمن سنجش اجمالی آراء مفسران فریقین در حوزه «معناشناسی امامت انبیاء»، راهکار جدیدی را با تفحص همه‌جانبه از آیات امامت انبیاء، عرضه نماید. در سایه تبیین این چالش، دیگر ابعاد موضوع امامت قرآنی نیز که عموماً در امامت اهل بیت (علیهم السلام) متبلور بوده، رخ خواهد نمود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با محورگیری «کتاب» و «شریعت الهی» در میان سلسله انبیاء، قادر خواهیم بود تا مقام امامت انبیاء در اندیشه قرآنی را تحلیل نماییم؛ سپس با فارغ شدن از این موضوع، گستره این آموزه در دیگر ابعاد آن، به آسانی قابل واکاوی خواهد بود.

نویسنده مسئول:

سید محمد موسوی مقدم

ایمیل:

sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

امامت انبیاء، آیه ۱۲۴ بقره، معناشناسی مقام امامت، ابعاد امامت.

بیان مسأله

در حوزه امامت، گرچه آثار مفید فراوانی به رشته تحریر درآمده است؛ اما نخست آنکه عمده این مباحث در آثار متکلمان قابل ردیابی است و دوم این که در حوزه تبیین مسئله امامت با محوریت قرآن نیز، توجه بیشتر پژوهشگران به آیاتی نظیر آیات ۵۵ مائده، ۶۷ مائده، ۳ مائده و... معطوف بوده که صبغه کلامی - جدلی در آن مشهود است. به نظر می‌رسد که می‌توان آیه ۱۲۴ سوره بقره را یکی از آیات غرر قرآن در زمینه تبیین مسئله امامت دانست که در سایه توجه بیشتر به آن، امید است که بسیاری از اختلافات کلامی میان شیعه و سنی نیز رخت بر بسته یا کم رنگ شود. این در حالی است که متأسفانه دلالت خود این آیه شریفه، نه تنها میان فریقین، معرکه آراء بوده، بلکه امامیه نیز در تفسیر آن هم‌داستان نیستند. نظر بر این اهمیت مغفول مانده، پژوهش پیش‌رو با محوریت این کریمه و آیاتی مشابه نظیر آیه ۷۳ انبیاء، ۲۴ سجده، ۵۹ نساء و ... با روش تحلیلی - انتقادی تلاش دارد تا ابعاد مختلف امامت در میدان‌های گوناگون: معنانشناسی، اوصاف و ویژگی‌های امام، لوازم امامت و مسئولیت‌های او را تبیین نماید.

پیشینه این پژوهش را می‌توان در قالب دو نوع پیشینه عام و خاص جستجو نمود. پیشینه عام به حوزه تفاسیر فریقین و میراث روایی آنها مرتبط است و پیشینه خاص به تک‌نگاری‌های مربوطه نظر دارد. در زمره این تک‌نگاری‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود: الف) مقاله‌ای با عنوان «آیه ۱۲۴ بقره و حقیقت امامت از دیدگاه مفسران شیعه»، منتشر شده در شماره ۱۲۲ مجله «نامه جامعه» (حسین زاده باردئی، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۱۷)؛ ب) مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی معنانشناسی واژه امام در آیه امامت حضرت ابراهیم» در شماره ۲ مجله «کتاب قیم» (نजारزادگان، ۱۳۹۰: ۷-۳۰)؛ ج) مقاله «مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلای حضرت ابراهیم(ع)» منتشر شده در شماره ۱۷ مجله «سفینه» (غلامی، ۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۱۵)؛ د) مقاله «تفسیر تطبیقی و تحلیلی آیه امامت در تفاسیر فریقین»، نشر یافته در شماره ۲۵ مجله «مطالعات تفسیری» (کردنژاد، ۱۳۹۵: ۷-۲۴) و ... وجه فارق پژوهش حاضر با این آثار را می‌توان در این نکته دانست که در اینجا کوشش شده تا نخست، رویکرد قرآن‌پژوهان در زمینه معنانشناسی مقام امامت مورد ارزیابی اجمالی قرار گرفته تا زمینه برای ارائه رویکرد معیار به نحو تفصیل فراهم گردد؛ دوم این که به کمک روش تفسیری قرآن به قرآن، ابعاد مسئله «امامت انبیاء» مورد پژوهش واقع شده تا ضمن تفکیک این ابعاد از یکدیگر و همچنین جلوگیری از خلط معنانشناسی امامت با دیگر ابعاد این مقام، این آموزه به درستی تحلیل گردد؛ مفهومی که محصور و منحصر در امامت حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) نخواهد بود.

از این رو پژوهش حاضر با روش تحلیلی - انتقادی نسبت به آراء ابراز شده تلاش خواهد داشت تا به پرسش‌های زیر پاسخ مناسبی دهد:

۱- امامت حضرت ابراهیم(ع) در آیه ۱۲۴ سوره بقره ناظر به کدام مقام معنوی در زندگی آن حضرت بوده است؟

۲- آیا مقام امامت مذکور در آیه ۱۲۴ سوره بقره منحصر در حضرت ابراهیم(ع) بوده یا دیگر انبیاء را نیز شامل می‌شود؟

۳- آیا مقام امامت انبیاء نیز همانند مقام نبوت آنان، مفهومی ذومراتب است؟

۴- بر فرض مثبت بودن پاسخ سؤال قبل، محور مشترک این منزلت چیست و چه مراتبی می‌توان برای آن متصور بود؟

۵- چه ابعاد دیگری از آموزه «امامت» را می‌توان از مجموعه آیات مرتبط با این مبحث، از قرآن استخراج نمود؟

بر این اساس، در ابتدا با تحدید قلمرو بحث، سعی شده تا با تمرکز بر آیه ۱۲۴ سوره بقره مشهور به آیه ابتلاء یا آیه عهد، به شناسایی، ارائه و نقد رویکرد مفسران فریقین در حوزه معناشناسی مقام امامت انبیاء پرداخته شود؛ سپس در ادامه رویکرد معیار را با استمداد از دیگر آیات به بحث خواهیم نشاند. در قسمت دوم این مقاله تلاش شده تا ضمن واکاوی ابعاد مختلف مقام «امامت انبیاء»، ضمن رفع چالش خلط این ابعاد با یکدیگر و با معناشناسی مقام امامت، تبیینی نسبتاً جامع از این آموزه ارائه گردد.

۱. معناشناسی لغوی امام

در باب معنای لغوی «امام» اختلافی میان فریقین مشاهده نشده و همگان آن را از ریشه «أمم» به معنای «قصد و آهنگ چیزی کردن» دانسته اند(ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵/۴۵۹؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/۱۴۹). آنگاه واژه «امام» که مصدر است؛ گاه در معنای اسم مفعول «قُدوه» و «مُقْتدی» و «مَنْ یُؤْتَمُّ بِهِ» به کار می‌رود که همگان او را قصد کرده و به او متوجه می‌شوند(فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۴۲۹-۴۲۸) و گاه در زمره اسم آلت در معنای ابزار مورد استفاده به‌شمار می‌رود که با آن وسیله می‌توان به مقصود نائل شد(ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱/۶۸۵). نگاهی به موارد کاربرد واژه «امام» و مشتقات آن در قرآن کریم نشان می‌دهد که این واژه ۱۲ بار در قرآن به کار رفته است: (حجر/۷۹، فرقان/۷۴، هود/۱۷، احقاف/۱۲، یس/۱۲، اسراء/۷۱، قصص/۵، قصص/۴۱، توبه/۱۲، انبیاء/۷۳، سجده/۲۴، بقره/۱۲۴).

از آنجا که محور پژوهش ما در این مقاله بر اساس آیه ۱۲۴ سوره بقره می‌باشد، در این آیه شریفه اینگونه می‌خوانیم: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴)؛ با تأمل در این کریمه، نخست روشن خواهد شد که به شکل قدر مُتَيَقَّن، مراد الهی از واژه «امام» در آیه ۱۲۴ بقره، معنای لغوی نخواهد بود چرا که حضرت ابراهیم(ع) در دوران کهنسالی به این

مقام نائل شده و حال آنکه تا پیش از این، پیشوا و اسوه و الگوی مردم در همان کسوت نبوت و رسالت بوده است؛ دوم این که بنا بر نکته اخیر، حوزه معنایی دیگر آیات دوازده‌گانه به غیر از آیات ۷۳ انبیاء و ۲۴ سجده، از فضای آیه ۱۲۴ بقره بیگانه است (نجارزادگان، ۱۳۹۰: ۴۱-۲۱؛ اسعدی، ۱۳۹۲: ۹۳-۹۱؛ معارف، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۳). در مورد دو آیه سوره انبیاء و سجده احتمال قرابت معنایی زیاد است که در ذیل رویکرد معیار به آن پرداخته خواهد شد.

۲. آراء تفسیری فریقین در معناشناسی مقام امامت

مفسران فریقین در مورد معناشناسی مقام «امامت انبیاء»، دست کم پنج رویکرد را مد نظر خویش قرار داده‌اند. در بخش نخست این مقاله، نقل و نقد اجمالی این دیدگاه‌ها مورد اهتمام قرار خواهد گرفت تا زمینه برای ارائه رویکرد معیار فراهم شود:

۲-۱. زمامداری و تدبیر امور جامعه

این دیدگاه، کهن‌ترین نظریه در باب تبیین مقام امامت است که تفاوت میان امامت و نبوت را در امر زعامت دین و دنیا و تدبیر امور جامعه و به خصوص امر جهاد تفسیر می‌کند (طوسی، بی تا: ۱۱۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۱ / ۳۸۰؛ بلاغی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۲۳؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱ / ۱۰۹).

این دیدگاه ناتمام است چرا که مسئولیت زعامت و تدبیر امور جامعه بر دوش تمامی سلسله انبیاء بوده و از اختصاصات مقام «امامت» نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶ / ۴۶۱-۴۴۸).

۲-۲. پیشوایی بر همگان و پیامبران

طرفداران این نظریه با بسط قلمرو رسالت و نبوت حضرت ابراهیم (ع) به تمامی اعصار پس از وی، او را پیشوا و مقتدای همه مردم و تمامی انبیای پس از او می‌دانند. آنان بر این باورند که دستور به تبعیت از آیین حنیف ابراهیمی (نحل / ۱۲۳) برای امت مرحومه و اطلاق کلمه «الناس» در آیه شریفه را می‌توان از جمله شواهد بر این رویکرد قلمداد نمود (قرشی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۳۵؛ طیب، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۷۷؛ فیضی دکنی، ۱۴۱۷: ۱ / ۱۴۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۱ / ۲۷۶).

در نقد اجمالی این دیدگاه نخست باید گفت که استشهاد به آیاتی نظیر آیه ۱۲۳ سوره نحل در جهت استحکام این دیدگاه ناتمام است. توضیح این که بنا بر موقعیت ممتاز حضرت ابراهیم (ع) در شبه جزیره عربستان و سعی گروه اهل کتاب اعم از یهود و نصاری در انتساب خود به آیین آن حضرت، خدای سبحان ضمن ابطال این نگره و پنداره اهل کتاب (بقره / ۱۴۰؛ آل عمران / ۶۷-۶۵)، پیامبر اکرم (ص) و امت ایشان را به پیروی از حقیقت آیین ابراهیمی امر نموده (نحل / ۱۲۳) و آنان را برترین پیروان حضرت ابراهیم (ع) معرفی می‌نماید (آل عمران / ۶۸)؛ نکته دوم این که طرفداران این نظریه در تبیین امامت فرزندان حضرت ابراهیم (ع) ناکام مانده‌اند؛ مطلب سوم این

که در این نظریه حضرت نوح(ع) به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم که قبل از حضرت ابراهیم(ع) می‌زیسته، جایگاهی نداشته و نمی‌توان او را مأموم ابراهیم(ع) دانست؛ بلکه به‌عکس، چنانکه در قرآن شاهدیم، حضرت ابراهیم(ع) از شیعیان نوح(ع) محسوب شده است(صافات / ۸۳). لذا جای این پرسش از مدعیان این رویکرد وجود دارد که آیا اصولاً مقام امامت با امامت حضرت ابراهیم(ع) آغاز شده است؟ در حالی که پاسخ مثبت به این پرسش نیازمند ارائه ادله کافی در این زمینه است؛ پاسخ منفی به آن نیز، اصل رویکرد را با مناقشه جدی مواجه خواهد ساخت.

۲-۳. هدایت تکوینی

علامه طباطبایی(ره) به عنوان مبتکر این نظریه و برخی دیگر از مفسران امامیه بر این باورند که «امام»، شخصی است که به وسیله «امر» الهی که از کلمه «کُن» نشأت یافته با وجه ملکوتی عالم، ارتباط گرفته و هدایت به امر در معنای «ابصال به مطلوب» را برای پیروان خویش رقم می‌زند(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۷۳-۲۷۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۴۲-۴۳۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶ / ۴۶۶-۴۶۱).

در نقد این رویکرد، نخست می‌توان اظهار داشت که دلیلی مبنی بر انحصار معنای «امر» در امر تکوینی و وجه ملکوتی عالم در دست نیست؛ دوم این که پذیرش این معنا برای امامت گرچه برای درجه‌اعلای آن یعنی امامان از اهل بیت نبی اکرم(ص) متصور است، اما نمی‌توان بدون شواهد و قرائن کافی، آن را به امامت حضرت ابراهیم(ع) تعمیم بخشید؛ مضاف بر اینکه در مورد امامان از اهل بیت(علیهم السلام) نیز پذیرش این معنا به عنوان وصف تعیین کننده مقام امامت آنان و نه یکی از شؤون آن، محل تردید است(نجارزادگان، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۴۵؛ خان صنی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۸۷).

۲-۴. وجوب پیروی و اطاعت مستقل

مُبدع این رویکرد، با استمداد از نظریه کلامی تفویض دین و استناد به مجموعه‌ای از روایات در باب «تشریح احکام دائمی» توسط شخص نبی اکرم(ص)، «امامت» را مقام «مفترض الطاعه» شدن می‌داند که بر طبق آن، امام در دو حوزه کلی: ۱- «حاکمیت سیاسی، زمامداری و قضاوت»، ۲- «تبيين وحی و تشریح احکام دائمی»، به شکل مستقل عمل نموده و بر همگان پیروی از وی واجب است. این وجوب پیروی نیز به شکل وجوب مستقل مطرح بوده و نه وجوب طریقی تا رسیدن به خدا و رسول، بلکه خود اطاعت از امام، موضوعیت خواهد داشت. (نجارزادگان، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۱۵۴)

نقدهایی به قرار زیر بر این رویکرد وارد است:

۱- در آیاتی که مورد استناد واقع شده، نظیر آیات ۷ حشر و ۲۹ توبه، از پیامبر اکرم(ص) با عنوان «رسول» تعبیر شده و نه «امام». همچنین در آیه ۵۹ نساء معروف به آیه اولی الامر نیز اطاعت مستقل از رسول خدا(ص) تحت عنوان «اطیعوا الرسول» مطرح شده که طبق اصالة الظهور، در رسالت ایشان جاری خواهد بود.

۲- بر طبق آیه ۵۹ نساء، اطاعت از اولی الامر در ذیل اطاعت از رسول گنجانده شده است؛ این مطلب با دو قرینه داخلی در آیه شریفه قابل اثبات است: نخست آنکه کلمه «أطیعوا» در مورد «اولی الامر» تکرار نشده و دوم آنکه در مواقع نزاع، ارجاع به اولی الامر پیش بینی نشده است. از این رو وجوب پیروی مستقل برای اولی الامر به عنوان امامان از اهل بیت نبی اکرم(ص) با چالش جدی مواجه خواهد شد.

۳- در این نظریه، محور بحث بر امامت رسول اکرم(ص) و اهل بیت ایشان استوار است؛ در حالی که نظریه پرداز محترم نتوانسته آن را به امامت انبیای الهی از جمله حضرت ابراهیم(ع) و ذریه ایشان تعمیم بخشد. از روایت نقل شده مبنی بر «مفترض الطاعه» بودن حضرت ابراهیم(ع) نیز پیش از این بر نمی آید که اطاعت از ایشان در دوران کهنسالی بر مردم واجب شد؛ اما نخست این که روایت شریفه بر مستقل بودن این وجوب دلالتی نداشته و دوم این که بر طبق آیاتی نظیر «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء/۶۴)، مُطَاع بودن از شؤن «رسول» الهی دانسته شده که اختصاصی به حضرت ابراهیم(ع) نداشته است؛ نهایت آنکه بگوییم در مورد ایشان، قلمرو شمول یا کیفیت آن با دیگر رسولان الهی متفاوت بوده است ولی در اصل «اطاعت شوندگی» فرقی میان رسول و امام مشهود نیست و می توان آن را از شؤن مشترک «رسول» و «امام» دانست. بنابراین به نظر می رسد «مُطَاع بودن» و «مفترض الطاعه» شدن، فصل مُقَوِّم «امامت» نخواهد بود.

۴- هیچ شاهد تاریخی یا نقل معتبری مبنی بر جعل مستقیم احکام توسط حضرت ابراهیم(ع) یا ذریه ایشان در دست نیست و اصولاً با توجه به عدم پیچیدگی شرایع در عصر انبیای سلف، پذیرش این معنا برای «امام» دشوار است.

۵- در آیه محل بحث یعنی آیه ۱۲۴ بقره پس از اعلام الهی مبنی بر به امامت رسیدن حضرت ابراهیم(ع)، آن حضرت بلافاصله همان مقام را برای ذریه خویش طلب می کند. تأمل در آیه شریفه این نکته را به دنبال خواهد داشت که حضرت ابراهیم(ع) تا پیش از این، مقام امامت را به خوبی درک می کرده که از خصوصیات آن سؤالی به درگاه خدای سبحان مطرح نکرده و افزون بر آن، همان مقام را برای ذریه خویش نیز طلب نموده است. این در حالی است که نه تنها در این نظریه، بلکه در سایر رویکردهای معناشناسی امام، مقام «امامت» با امامت حضرت ابراهیم(ع) آغاز می شود و تا پیش از آن حضرت، این مقام، مسبوق به سابقه نبوده و طبیعتاً حضرت ابراهیم(ع) تا پیش از این زمان، تصور معناداری از آن نداشته است. دست کم این که می توان این رویکردها را در باب تبیین امامت پیش از آن حضرت و همچنین منشأ و کیفیت اطلاع آن حضرت از این مقام، ساکت دانست.

۲-۵. امامت در معنای نبوت

این دیدگاه بیشتر در میان قرآن پژوهان اهل سنت از دوره متقدم تا دوره متأخر مطرح بوده است (رازی، ۱۴۲۰: ۳۶/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۷: ۵۹۱/۱). هرچند که دو تن از مفسران امامیه (سید محمد تقی مدرسی مؤلف «من هدی

القرآن» و سید محمد حسین فضل الله صاحب تفسیر «من وحی القرآن» نیز با تقریری متفاوت متمایل به آن بوده‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۵۴/۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۳). از آنجا که این نظریه مخالف مضمون آیه ۱۲۴ بقره مبنی بر اعطای مقام امامت به حضرت ابراهیم (ع) در کهنسالی و همچنین در تضاد با روایات منقول از فریقین است، مطرود خواهد بود. گرچه جمعی از مفسران اهل سنت که از طرفداران این نظریه محسوب می‌شوند، در رفع اشکالات وارد بر آن کوشش زیادی نموده‌اند (رازی، ۱۴۲۰: ۳۶/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۷: ۵۹۱/۱؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶۰۳/۱)؛ اما این تلاش‌ها ثمربخش واقع نشده است (نجارزادگان، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۹۰).

۳. رویکرد معیار

در این رویکرد، با محوریت آیه ۱۲۴ بقره و استمداد از آیاتی دیگر با روش قرآن به قرآن و در نهایت شواهد و مؤیدات روایی تلاش خواهیم نمود تا نخست مفهوم «امامت» به درستی تبیین گردد؛ دوم این که دیگر وجوه مرتبط با این مبحث در قرآن کریم، جایگاه خویش را باز باید. بدین منظور در ابتدا مقدمات زیر را در نظر می‌گیریم:

مقدمه اول: نیل به اصل مقام امامت، همانند مقام نبوت و رسالت، اکتسابی نیست.

مقدمه دوم: گرچه کلمه «إِذْ» در ابتدای آیه ۱۲۴ بقره می‌تواند ناظر بر «أَذْكَرُ» مقدر باشد و نه فعل «قال»، اما در هر دو صورت، وابستگی مقام امامت بر ابتلائات حضرت ابراهیم (ع)، خالی از این اشعار نیست که درجاتی از اکتساب و تلاش قابل در کنار اعطای فاعل برای رسیدن حضرت ابراهیم (ع) به این مقام منیع لازم بوده است. به عبارت دیگر «پیوند بین شرط و جزا و سبب و مسبب اقتضا دارد که بین آن کلمات و بین جعل امامت، حداقل در خصوص ابراهیم خلیل، پیوندی باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۳۸/۶).

مقدمه سوم: مقام امامت قرآنی در قرآن کریم به شکل قدر متیقن برای دو تن دیگر از انبیای الهی یعنی حضرت اسحاق و حضرت یعقوب (علیهم السلام) مطرح شده (انبیاء / ۷۲-۷۳) و این در حالی است که در مورد این دو امام الهی، شاهد گزاره‌هایی در قرآن، دال بر مسبوق بودن این مقام به ابتلائات و آزمون‌های دشوار چونان حضرت ابراهیم (ع) نمی‌باشیم. بلکه اصاله الظهور حاکی از آن است که این دو نبی خدا با زمینه دعا و درخواست حضرت ابراهیم (ع) بدین مقام نائل گشته‌اند (بقره / ۱۲۴).

از مجموع این سه مقدمه این نتیجه حاصل می‌شود که گرچه این سه پیشوای الهی در اصل نیل به مقام امامت مشترک‌اند؛ اما امامت آنان دارای مراتب و درجاتی است که موجب برتری بعضی بر بعضی دیگر می‌شود. به عبارت دیگر نیل به مرتبه عالی از این مقام، مستلزم خروج موفقیت آمیز از ابتلائات الهی خواهد بود. بنابراین همان‌گونه که انبیاء الهی بنا بر کریمه «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...» (بقره / ۲۵۳) دارای درجاتی می‌باشند که موجب ترفیع برخی بر بعضی دیگر است؛ می‌توان مفهوم «امامت انبیاء» را نیز مفهومی ذو مراتب و مُشکک دانست. از سوی دیگر انتخاب اشخاصی که عهده‌دار مناصب الهی و از جمله منصب امامت می‌باشند، بر اساس فرآیند

«إِصْطَفَاء» انجام خواهد پذیرفت. «إِصْطَفَاء» در معنای خالص سازی و پاکسازی از آلودگی‌ها (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۱۹/ ۶۰۱-۶۰۴) به وسیله آزمون‌های مختلف پدید خواهد آمد. حال هرچه این ابتلائات، دشوارتر باشد، درجه این إصطفاء نیز بالاتر خواهد یافت. از این رو می‌توان مراتب و درجاتی از «امامت» را متصور بود که در آن، شخص امام به اعلی درجه خلوص و صفا رسیده است. از این رو در مقام ثبوت، در نظر گرفتن درجاتی فوق درجه امامت حضرت ابراهیم(ع) نیز هیچ منع عقلی نداشته و قابل فرض است. به مقام اثبات این مرتبه و درجه در اثناى بحث خواهیم پرداخت.

بنابراین در تحلیل مقام امامت انبیاء با دو سطح از بحث روبرو خواهیم بود: سطح اول، محور مشترک یا همان گوهر اصلی و فصل مُموم مقام «امامت» است که در میان تمامی آنان مشترک خواهد بود که بر اساس آن اصطلاح «امامت» قرآنی معنا می‌شود؛ و سطح دوم، محور تفاضل و ترفیع رتبه امامان از انبیاء نسبت به یکدیگر است. اکنون تلاش خواهیم نمود تا در ابتدا به تبیین محور مشترک پرداخته و در ادامه محور تفاضل را بررسی نماییم.

۳-۱. محور مشترک مقام امامت

در آیات ۷۳-۷۲ سوره انبیاء اینچنین می‌خوانیم:

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ * وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء / ۷۳-۷۲)

با بازگشت مرجع ضمیر «ه» در «لَهُ» به حضرت ابراهیم(ع)، این کریمه به محور مشترک میان امامت حضرت ابراهیم(ع) با حضرت اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) اشاره دارد.

از طرف دیگر در آیات ۲۴-۲۳ سوره سجده نیز این چنین آمده است:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده / ۲۴-۲۳)

از مقایسه این دو دسته از آیات معلوم خواهد شد که توصیف «یهدون بامرنا» برای واژه «ائمه» (جمع «امام»)، همان قدر مشترک هر دو دسته از این آیات است. این گونه به نظر می‌رسد که این توصیف، وصف تفسیری «امام» خواهد بود که با تعقیب آن می‌توان حقیقت مشترک در معناشناسی «امام» را واکاویید. از این رو با انتقال به آیات ۲۳-۲۴ سجده و تأمل در مفاد آن، سعی خواهیم کرد تا حقیقت این وصف و در پی آن، گوهر ذاتی معناشناسی «امامت» را استخراج نماییم. تأمل در این آیات شریفه (۲۳-۲۴ سجده) با مقدمات زیر دنبال خواهد شد:

مقدمه اول: بنابر نظر بسیاری از مفسران، همسو با سیاق آیه، ضمیر «ه» در «جعلناه» به کتاب «تورات» بازگشت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۳۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/ ۱۶۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/ ۲۲۲؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۵/ ۱۵۰).

مقدمه دوم: اطلاق کلمه «بنی اسرائیل» حاکی از آن است که هدایت این قوم، همواره چه در عصر حضرت موسی(ع) و چه پس از آن، به کمک کتاب آسمانی «تورات» انجام می‌شده است.

مقدمه سوم: پس از رحلت حضرت موسی(ع)، امامانی از میان قوم بنی اسرائیل بدین مقام منصوب گشته‌اند که وظیفه اصلی آنان، هدایت به امر بوده است.

از مجموع این مقدمات این چنین نتیجه‌گیری می‌شود که این دو جعل الهی (جعل «تورات» به عنوان سبب هدایت و جعل ائمه به عنوان هادیان به امر) مکمل یکدیگر بوده و پیشوایان بنی اسرائیل در مصاحبت یا ملابست کتاب تورات، نقش خود را به عنوان هادیان الهی ایفا می‌نموده‌اند. بنابراین وصف تفسیری «یهدون بامرنا» با محوریت کتاب آسمانی و شریعت الهی در هر برهه از زمان، حقیقت معنای «امامت» را روشن خواهد نمود.

در جهت دفع اشکال مقدر بر امامت بنی اسرائیل در آیه ۲۴ سجده، این نکته لازم به ذکر است که این مقام امامت، همسان با آیات ۱۲۴ بقره و ۷۳ انبیاء در معنای مصطلح آن و نه معنای لغوی می‌باشد؛ معنای لغوی امامت بنی اسرائیل را می‌توان در آیه ۵ سوره قصص دنبال نمود: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵). این نکته به چند دلیل، مستند است: نخست این که در آیه ۵ قصص، تمامی بنی اسرائیل به عنوان «ائمه» معرفی شده‌اند حال آنکه در آیه ۲۴ سجده، تعبیر «منهم» نشانگر آن خواهد بود که بعضی از بنی اسرائیل به این مقام نائل گشته‌اند؛ دوم این که در آیه ۵ قصص، سخن بر سر به ارث بردن زمین است ولی در آیه ۲۴ سجده، هادیان الهی وارثان کتاب تورات بوده‌اند که تعبیری والاتر و اختصاصی‌تر است؛ در نهایت این که سیاق آیه ۵ قصص به فرج قوم بنی اسرائیل در زمان موسای کلیم و پس از نجات از فرعون اشاره دارد که محدود به زمانی مشخص است، اما در آیه ۲۴ سجده، مقام بحث تا عصر پس از حضرت موسی(ع) امتداد می‌یابد که نشانه‌ای از استمرار یک مقام معنوی در میان بنی اسرائیل است.

شواهد و قرائن

شواهد و مؤیداتی را می‌توان بر این رویکرد به معناشناسی مقام «امامت انبیاء»، اقامه نمود:

شواهد قرآنی

از آیات ۱۵۹ سوره اعراف و ۴۸ سوره مائده می‌توان در جهت اثبات مدعای خود بهره گرفت: در آیه ۱۵۹ سوره اعراف این چنین آمده است که: «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف / ۱۵۹). «من» بعضیه و تعبیر «یهدون» در این آیه شریفه، همسان با آیه ۲۴ سجده در صدد بیان مقام پیشوایی گروهی خاص در میان بنی اسرائیل است. پس از اثبات این تشابه ساختاری، می‌توان این نکته را مطرح نمود که واژه «أُمَّة» در این آیه، واژه‌ای است که جانشین واژه «امام» یا «أئمة» در آیه ۲۴ سجده شده است (فتاحی زاده،

۱۳۹۳: ۶۳-۶۴). مؤید این برداشت، توجه به ریشه لغوی مشترک در هر دو واژه «امام» و «أئمة» می باشد که از «أ - م - م» به معنای «قصد و آهنگ» بوده که پیش از این توضیح داده شد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/ ۱۴۸).

همچنین در آیه ۴۸ سوره مائده آمده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَيَّ اللَّهُ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (مائده / ۴۸). از این آیه استفاده می شود که امت ها در ذیل سرفصل شرایع و مناهج قرار دارند که آن نیز مبتنی بر کتاب الهی است. این کتاب در هر برهه از زمان در دست یکی از انبیای اولوالعزم قرار می گیرد؛ از این رو هر امت با نبی اولوالعزم خود ارتباطی وثیق می یابد که از آن با عنوان رابطه «امام» و «امت» یاد می شود. بنابراین بر طبق آیه ۱۵۹ اعراف و ۴۸ مائده، مقام امامت در میان بنی اسرائیل یا غیر آنان، با مسئله شریعت و کتاب الهی پیوند مستحکمی می یابد که شاهدی بر معنای تقریر شده برای «امامت» خواهد بود.

شاهد روایی

شاهد دیگر بر رویکرد معیار در جهت تبیین معناشناسی مقام «امامت انبیاء»، روایتی است که شیخ کلینی در کتاب کافی آن را ذکر می کند:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابی یحیی الواسطی عن هشام بن سالم و درُست بن ابی منصور، عنه قال: قال ابو عبد الله (ع): الانبياء والمرسلون على اربع طبقات: فنبی منبا فی نفسه لا یعدوا غیرها؛ و نبی یری فی النوم و یسمع الصوت و لا یعاینه فی الیقظه و لم یبعث الی احد و علیه امام مثل ما کان ابراهیم علی لوط (ع). و نبی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد ارسل الی طائفة قَلَّوا أو کثروا، کیونس (ع)، قال الله لیونس: «وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ» (صافات / ۱۴۷) قال: یزیدون ثلاثین الفا و علیه امام؛ و الذی یری فی نومه و یسمع الصوت و یعاین فی الیقظه و هو امام، مثل اولی العزم، و قد کان ابراهیم نبیاً و لیس بامام حتی قال الله: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» فقال الله: «لَأَيِّنَّا لُعَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره / ۱۲۴)، من عبد صنماً او وثناً لا یكون اماماً (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۷۵-۱۷۴).

از تأمل در حدیث شریفه چند نکته برداشت می شود:

- ۱- امامت مورد نظر در این حدیث شریف، تنها مختص به امامان از انبیاء است و شامل امامان اهل بیت (علیهم السلام) نخواهد بود تا مشاهده ملک در بیداری برای امام با مجموعه روایات دیگر در این باب، در تنافی باشد.
- ۲- مطرح شدن امامت حضرت ابراهیم (ع) به عنوان یکی از انبیای اولی العزم در دسته چهارم از این روایت، حاکی از آن است که امر امامت در میان انبیاء، اختصاصی به آن حضرت نداشته، بلکه قدر متیقن این است که تمامی انبیاء اولی العزم را شامل می شود.

۳- اختصاص یافتن مقام امامت، به انبیاء اولی العزم از میان گروه‌های چهارگانه مذکور در این روایت، از یکسو و تعلق داشتن کتاب و شریعت جداگانه به هریک از انبیاء اولی العزم از سوی دیگر، حاکی از این است که امامت انبیاء اولی العزم، بر حول محور کتاب و شریعت آنان دور می‌زند و این نکته، همان گوهر ذات و حقیقت معنای امامت خواهد بود که در رویکرد معیار مورد بررسی واقع شد.

۴- مطابق با این روایت، قادر خواهیم بود تا حضرت نوح(ع) - اولین نبی اولی العزم - را به عنوان اولین امام در میان امامان از انبیاء محسوب نماییم. این نظر، مخالف با خوانش مشهور مبنی بر آغاز جریان امامت انبیاء با حضرت ابراهیم(ع) است که در غالب رویکردها شاهد آن بودیم. در جهت تبیین نکته اخیر نیز می‌توان شواهد و قرائنی از آیات شریفه ذکر کرد:

الف) همان گونه که پیش از این ذکر شد، حضرت ابراهیم(ع) در زمان نیل به مقام امامت، در موقعیتی قرار داشته که معنای «امامت» را به خوبی درک می‌کرده است و لذا به جای سؤال از کیفیت این مقام، آن را برای ذریه خویش نیز طلب نموده و معقول نخواهد بود که امر ندانسته را برای ایشان نیز طلب کند. از سوی دیگر بر طبق کریمه «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ» (صافات / ۸۳)، حضرت نوح تا پیش از رسیدن به مقام امامت از زمره شیعیان و مأمومین حضرت نوح(ع) محسوب می‌شده است. لذا مقام امامت و پیشوایی حضرت نوح(ع) برای حضرت ابراهیم(ع) کاملاً مشخص و هویدا بوده است.

ب) زمینه‌هایی که برای دستیابی به مقام امامت، از جمله صبر و یقین در آیه «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده / ۲۴) مطرح شده، به نحو مطلوبی در سیره حضرت نوح(ع) مشاهده می‌شود. مقام صبر ایشان از آیاتی نظیر «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...» (عنکبوت / ۱۴) و مقام یقین ایشان از آیاتی همانند «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ» (یونس / ۷۱) قابل برداشت است.

بنابراین محور مشترک امامت انبیاء، همان وصف هدایتگری همه‌جانبه‌ی آنان در مصاحبت با کتاب و شریعت الهی خواهد بود که تا برهه‌ای از زمان و آمدن شریعت و کتاب آسمانی بعدی ادامه خواهد یافت. وجه افتراق این گونه معنانشناسی امامت انبیاء با هدایتگری سایر انبیاء و رسولان الهی نیز در قلمرو ولایت(تصرف) آنان و میزان بهره‌مندی آنان از مفاهیم کتاب آسمانی هر زمان نهفته است؛ به‌گونه‌ای که هدایت انبیاء و رسولان الهی معطوف به گروه یا منطقه خاص جغرافیایی بوده که بعضاً در سطح یک خانواده یا یک روستا مشاهده می‌شده است؛ همچنین این هدایتگری در جهت رفع مشکلات خاص هر قوم، متناسب با اوضاع اجتماعی - فرهنگی آنان بوده است(همانند کم فروشی قوم شعیب(ع) یا شیوع عمل شنیع لواط در میان قوم لوط(ع))؛ این در حالی است

که وجود امام در هر برهه از زمان بر سایر انبیاء و رسولان الهی ولایت و سیطره داشته و آنان موظف به تبعیت از او هستند؛ همچنین امام، واجد تمامی مفاهیم کتاب هر عصر بوده و از این رو موظف به حفظ شریعت الهی در چارچوب کلی ترسیم شده برای آن است.

۳-۲. محور تفاضل مقام امامت

اکنون که محور مشترک امامت، تبیین گردید؛ می توان به کمک آیات ۳۲-۳۱ سوره مبارکه فاطر، محور تفاضل را بیان کرد. در این آیات می خوانیم: «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ * ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر / ۳۱-۳۲)

گرچه بر طبق سیاق آیه که «کتاب» را در مصداق «قرآن» متعین می کند و همچنین روایات متواتر ذیل آن که «مصطفین» را عترت طاهره (علیهم السلام) معرفی می کند؛ این مقام وراثت، منحصر در اهل بیت مظهر پیامبر اکرم (ص) می باشد (راد، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۱۰)؛ اما می توان این الگو را به امامت دیگر وارثان برگزیده از امامان سابق نیز تعمیم بخشید. بر طبق مفاد آیات سوره فاطر، سابقان در خیرات با وراثت حقیقت کتاب الهی از مورثان خود، به مقام «إِصْطَفَاء» و «امامت» بر مردم نائل آمده اند. سر سلسله این مورثان نیز به صاحب کتاب و شریعت الهی در هر دوره ختم می شود.

بنابراین محور تفاضل امامت انبیاء را می توان در وجه انتساب آنان به کتاب الهی دانست. گروهی که صاحبان کتاب و شریعت بوده در مرتبه عالی و گروه دیگر که وارثان کتاب الهی اند در مرتبه متوسط این امامت، جای خواهند گرفت. لذا بر اساس اصل «الْفَضْلُ لِمَنْ سَبَقَ»، امامت انبیاء الوالعزم در مرتبه بالاتری از امامان پس از ایشان تا ظهور کتاب و شریعت بعدی قرار خواهد داشت.

از سوی دیگر در عین واحد بودن جریان دین نزد خدای سبحان (آل عمران/۹۱)، شرعه ها و مناهج های گوناگونی بر اساس کتاب آسمانی در هر برهه برای مردم وضع شده است (مائده/۴۸؛ حج/۶۷)؛ و از آنجا که کتاب آسمانی قرآن و شریعت محمدی، مهیمن و مسلط بر دیگر کتب و شرایع است (مائده/۴۸)؛ لذا می توان امامت پیامبر اکرم (ص) را حدّ اعلی و مرتبه نهایی امامت انبیاء دانست که به دلیل خاتمیت ایشان، مقامی مافوق آن متصور نمی باشد.

در خصوص امامت حضرت ابراهیم (ع) و ذریه آن حضرت، چنانچه از فراز «لاینال عهدی الظالمین» استشمام می شود، دعای حضرت ابراهیم (ع) به طور فی الجمله و موجبه جزئیه اجابت شده است. به عبارت دیگر در مورد برخی از انبیای اولوالعزم پس از وی، به نحو کامل به اجابت رسیده و آنان به مقام امامت مرتبه عالی نائل گشته اند و در مورد برخی دیگر از آنان، این درخواست به نحو امامت مرتبه متوسط، مستجاب شده است. شاید بتوان سر

بیان این فراز از آیه ۱۲۴ بقره در قالب یک اسلوب منفی را ضمن حفظ بازگویی اصل «عدم سازگاری مقام امامت با ظلم»، در بیان همین ذومراتب بودن این مقام دانست.

۳-۳. ابعاد مقام امامت

تاکنون رکن اصلی و اساسی آموزه امامت انبیاء یعنی همان معناشناسی این امامت در دو محور نقاط اشتراک و نقاط تفاضل، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اکنون با روشن شدن حقیقت معنای «امامت انبیاء»، می‌توان به تبیین دیگر ابعاد این موضوع پرداخت. این ابعاد به نحو اجمال به قرار زیر خواهد بود:

۳-۳-۱. لوازم امامت

بر طبق مفاد آیات ۷۳ انبیاء و ۲۴ سجده، دستیابی به مقام امامت، منوط به احراز مقام صبر، یقین و عبودیت تام الهی خواهد بود.

۳-۳-۲. ویژگی‌های امام

برترین خصوصیتی که در آیات و روایات برای امام قابل استخراج است؛ همان مقام «مفترض الطاعه» بودن ایشان خواهد بود. توضیح آن‌که «مُلک عظیم» در آیه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء/ ۵۴) بر طبق روایت معصومان (علیهم السلام)، به مقام «مفترض الطاعه» بودن امام تفسیر شده است (بحرانی، بی تا: ۱/ ۲۷۶-۲۷۸). همین مقام برای حضرت ابراهیم (ع) نیز در روایتی از حضرت صادق (ع) اثبات شده است (صفار، ۱۴۰۴: ۵۰۹). بنابراین این ویژگی امام سبب خواهد شد تا همگان از دستورات او به طور مطلق تبعیت نمایند. البته این اطاعت با توجه به مرتبه امام، ذو مراتب خواهد بود که در قسمت آینده توضیح بیشتری در مورد آن داده خواهد شد. ویژگی و خصوصیت «مفترض الطاعه» بودن امام از آن رو در ذیل این مبحث و نه ذیل مبحث معناشناسی امامت، مطرح شد که بر طبق آیه شریفه «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي...» (یونس / ۳۵)، تبعیت و اطاعت، فرع بر مقام هدایتگری هادیان در نظر گرفته شده که هماهنگ با رابطه گوهر ذاتی معنای امامت با مطاع بودن امام می‌باشد.

دومین ویژگی امام، بهره‌مندی او از وحی تسدید است تا بتواند مسئولیت‌های خویش را در قبال مردم در تمامی شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی به نحو احسن ایفا نماید.

۳-۳-۳. مسئولیت‌های امام

مسئولیت‌های امام به اموری مربوط می‌شود که مردم موظف به تبعیت و اطاعت از امام در آن امور می‌باشند. به طور کلی با سه دسته از مسئولیت‌ها در این زمینه روبرو هستیم:

۱- مرجعیت دینی از طریق انتساب به کتاب الهی

۲- زمامداری، قضاوت و اجرای فرامین الهی

۳- تشریح مستقل احکام

مسئولیت بند اول مربوط به امامان مرتبه عالی از طریق صاحب کتاب بودن و امامان مرتبه متوسط از طریق وراثت کتاب الهی خواهد بود. در مورد بند دوم نیز با فرض مساعدبودن شرایط اجتماعی و اقبال عمومی جهت تشکیل حکومت، تکلیف حاکمیت سیاسی بر دوش تمامی امامان قرار خواهد گرفت. اما در مورد بند سوم باید اظهار داشت که همان‌گونه که از مجموعه دلایل و شواهد نقلی و تاریخی برمی‌آید، انجام این مسئولیت فقط بر دوش نبی اکرم(ص) در عالی‌ترین مرتبه امامت از میان انبیاء قرار گرفته است؛ گرچه شاید بتوان از مجموعه شواهد و قرائن دیگری استفاده نمود که امامان از اهل بیت(علیهم السلام) نیز در مقام ثبوت(و نه لزوماً مقام اثبات) در این منزلت با آن حضرت شریک‌اند. طبیعی است که با فرض پذیرش این نظر، این مسئولیت در مرحله بالذات و بالاصاله مختص به آن حضرت و در مرحله بالتبع و بالتیابه برای اهل بیت گرامی آن حضرت به عنوان وصیان وی قابل طرح است. این معنا از تأمل در سیاق آیه ۵۹ نساء معروف به آیه اولی الامر تا حدودی قابل ردیابی است؛ هم‌ردیفی و عطف بلاواسطه «رسول» با «اولی الامر» در این آیه شریفه، ضمن گواهی‌دادن بر عصمت اولی الامر، ضرورت اطاعت مطلق از آنان در جمیع شؤون رسول اکرم(ص) در مرحله استخلاف از آن حضرت را نشان خواهد داد(اسعدی، ۱۳۹۲: ۳۳۴-۳۳۶).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با محوریت آیه ۱۲۴ سوره بقره در مورد امامت حضرت ابراهیم(ع)، معناشناسی مقام امامت انبیاء با روشی تحلیلی- انتقادی به رویکردهای موجود در میان فریقین، مورد بازپژوهی قرار گیرد. اهم نتایج مستخرج از این پژوهش را می‌توان در رئوس زیر خلاصه نمود:

- گوهر ذات و حقیقت معنای «امامت انبیاء»، همان وصف هدایتگری همه‌جانبه‌ی آنان- وصف تفسیری «بهدون بامرنا»- در مقارنت با کتاب و شریعت الهی خواهد بود که این مقام معنوی را در انبیاء اولی العزم به عنوان صاحبان شرایع و کتب آسمانی متعین می‌کند.

- امامت دیگر انبیاء الهی همچون امامت حضرت اسحاق و یعقوب(علیهم السلام) و برخی از انبیاء بنی اسرائیل- که در نصوص قرآنی مورد اشاره واقع شده- در چارچوب همان معناشناسی از امامت و در سطحی پایینتر از آن قابل تحلیل است. از این رو این امامان به عنوان وارثان کتاب و حافظان شریعت نبی اولی العزم سابق بر خود، هادیان مردم عصر خویش و حجت بر آنان در هر برهه‌ای از زمان خواهند بود.

- عدم تفکیک حوزه معناشناسی امامت انبیاء از دیگر ابعاد آن، تقیصه‌ای بوده که در بیشتر پژوهش‌هایی از این

دست، رخ داده است. از این رو اهمیت ابعاد پژوهی موضوع «امامت انبیاء»، قابل طرح خواهد بود.

- ویژگی‌های امام یا مسئولیت‌های او از جمله ابعادی از آموزه «امامت» است که در رویکرد برخی از قرآن‌پژوهان، در جایگاه معناشناسی حقیقت مقام «امامت» نهاده شده است؛ از این رو تبیین و تفکیک آن از رویکرد معیار، یکی از اهداف مدنظر این پژوهش واقع شد.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود، ۱۴۱۷ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالفکر.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی‌تا، التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر.
- ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اسعدی، محمد، ۱۳۹۲ش، ولایت و امامت؛ پژوهشی از منظر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سید هاشم، بی‌تا، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه اسماعیلیان.
- بلاغی، محمد جواد، ۱۴۲۰ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، تسنیم تفسیر قرآن کریم، تنظیم واعظی محمدی، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسین‌زاده باردئی، خدیجه و سید احمد موسوی باردئی و حسن صادقی، ۱۳۹۶ش، «آیه ۱۲۴ بقره و حقیقت امامت از دیدگاه مفسران شیعه»، نامه جامعه، ش ۱۲۲، ص ۱۳۷-۱۱۷.
- خان‌صنمی، شبانعلی و فاطمه خان‌صنمی، ۱۳۹۳ش، «تحلیل مفهوم امامت در آیه «ابتلی» از دیدگاه علامه طباطبایی»، مطالعات تفسیری، ش ۱۹، ص ۸۷-۱۱۰.
- راد، علی، ۱۳۹۰ش، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن، تهران، انتشارات سخن.
- رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زبیدی، محمد، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد.
- صفار قمی، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تصحیح محمد کوچه باغی، قم، بی‌نا.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طبرسی، فضل، ۱۴۰۶ق، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محلاتی و طباطبایی، بیروت، دارالمعرفه.
- طوسی، محمد، بی تا، رساله فی الفرق بین النبی و الامام ضمن الرسائل العشر، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
- غلامی، اصغر، ۱۳۸۶ش، «مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلای حضرت ابراهیم علیه السلام»، سفینه، ش ۱۷، ص ۱۳۹-۱۱۵.
- فتاحی زاده، فتحیه و فریده امینی، ۱۳۹۳ش، «معناشناسی «امام حق» در آیات قرآن»، مطالعات تفسیری، ش ۲۰، ص ۷۲-۵۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، نشر هجرت.
- فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر.
- فیضی دکنی، ابوالفضل، ۱۴۱۷ق، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، قم، دارالمنار.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷ش، تفسیر أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- کاشانی، مولی فتح الله، ۱۳۳۶ش، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی علمی.
- کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶ش، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
- کردنژاد، نسرین و زهره شریعت ناصری و محمد هادی مفتاح، ۱۳۹۵ش، «تفسیر تطبیقی و تحلیلی آیه امامت در تفاسیر فریقین»، مطالعات تفسیری، ش ۲۵، ص ۲۴-۷.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی (ط - الاسلامیه)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ق، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسن.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- معارف، مجید و جلیل پروین، ۱۳۹۱ش، «مفهوم امامت در قرآن با تأکید بر بررسی تطبیقی مراتب امامت و نسبت آن با نبوت در اهم تفاسیر اشاعره و شیعه امامیه»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش ۱۰، ص ۵۸-۲۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نजारادگان، فتح الله، ۱۳۹۰ش، «بررسی معناشناسی واژه امام در آیه امامت حضرت ابراهیم»، کتاب قیام، ش ۲، ص ۳۰-۷.
- _____ ۱۳۹۰ش، بررسی تطبیقی معناشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.